

## نقش میانجی‌گر راهبردهای تنظیم هیجانی در رابطه بین شخصیت مرزی و خشونت زناشویی

رویا آفتاب<sup>۱</sup>، احمد کربلایی محمد میگونی<sup>۲\*</sup> و صادق تقی‌لو<sup>۳</sup>

دریافت مقاله: ۹۳/۰۶/۱۰؛ دریافت نسخه نهایی: ۹۳/۱۰/۱؛ پذیرش مقاله: ۹۳/۱۱/۲۴

### چکیده

**هدف:** هدف پژوهش حاضر تعیین نقش میانجی‌گر راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه در رابطه بین شخصیت مرزی و خشونت زناشویی بود. **روش:** روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به تعداد ۲۸۰۰۰ دانشجو در سال ۱۳۹۳ بود؛ که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای ۳۱۱ دانشجوی متأهل که شرایط ورود به پژوهش را داشتند، انتخاب شد. ابزار پژوهش مقیاس‌های تاکتیک‌های تعارضی استراوس، همبلی، بانی-مک کوی، و سوگارمن (۱۹۹۶)، نشانه‌های مرزی بوهوس، لیمبرگر، فرنک، چاپمن، کوهلر و همکاران (۲۰۰۷)، سبک‌های پاسخ‌نخواری نولن- هوکسیما و مارو (۱۹۹۱) و سرکوب خرس سفید و گنر و زاناکاس (۱۹۹۴) بود. پس از حذف ۵ آزمودنی پرت، داده‌های ۳۰۶ آزمودنی با استفاده از روش الگویابی معادله‌های ساختاری تحلیل شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکری و سرکوب فکر، رابطه بین شخصیت مرزی و خشونت زناشویی را میانجی‌گری می‌کند. **نتیجه‌گیری:** افراد دارای شخصیت مرزی برای اجتناب از عاطفه منفی و راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه به برون‌ریزی خشونت نسبت به همسر خود مبادرت می‌کنند. از این‌رو پیشنهاد می‌شود به عوامل زیست‌شناختی و روان‌شناختی دخیل در این اختلال در تدوین برنامه‌های درمانی توجه شود.

**کلیدواژه‌ها:** تنظیم هیجانی، خشونت زناشویی، راهبردها، شخصیت مرزی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج

۲. نویسنده مسئول، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج Email: Ahmadkarbalaee@gmail.com

۳. استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آستارا

خشونت زناشویی<sup>۱</sup> به این دلیل که در حریم خصوصی افراد رخ می‌دهد، از خشونت‌های دیگر متمایز است. با این حال، خشونت خانگی<sup>۲</sup> و خشونت خانوادگی مترادف با خشونت زناشویی به کار می‌رود (پورنقاش تهرانی، ۲۰۱۰؛ اعظم علی و نایلور، ۲۰۱۳). خشونت خانگی یکی از مشکلات اجتماعی شایع است که بر سلامت همه افراد از گروه‌های اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی و قومی مختلف تأثیرگذار بوده (فلین و گراهام، ۲۰۱۰) و به نوعی نقض حقوق بشر است و به دلیل پیامدهای نامطلوبش؛ باید پیشگیری و از طریق سیاست‌های اجتماعی، آموزشی و حقوقی به آن توجه شود. این نوع خشونت پنهان است و تأثیرات عمیقی بر سلامت جسمانی، روانی و بهزیستی مردان، زنان و کودکان بر جای می‌گذارد (استوارت، مک میلان و واتن، ۲۰۱۲). آسیب‌هایی که به واسطه این نوع خشونت رخ می‌دهد، نه تنها سلامت جسمانی و روان‌شناختی بلکه روابط عاطفی زن و مرد را تهدید می‌کند. از سوی دیگر خشونت در روابط زناشویی با ایجاد زمینه ناسازگاری ممکن است به جدایی و طلاق منجر شود (پانوزیو و دیلیلو، ۲۰۱۰؛ لاورنس و بردباری، ۲۰۰۱).

بر اساس آمار جهانی از هر ۴ رابطه ۱ رابطه تحت تأثیر خشونت خانگی قرار دارد (سولاک، ساکسون و فیرون، ۲۰۱۴). پژوهش بریدین، بلک و ریان (۲۰۰۸) نشان داد از هر ۴ زن ۱ نفر و از هر ۷ مرد ۱ نفر شکلی از خشونت را متحمل شده‌اند. در ایران طبق پژوهش ملی در ۲۸ استان کشور، شیوع خشونت خانگی به طور متوسط ۶۶ درصد برآورد شده است (حسن‌پور ازغدی، سیمبر و کرمانی، ۱۳۹۰). رسولیان، حبیب، بولهری، حکیم شوشتری، نجومی و همکاران (۲۰۱۴) گزارش کردند که بیش از ۳۸ درصد زنان تهرانی در طول عمر خود در معرض خشونت جسمانی از جانب همسران‌شان قرار داشته‌اند.

عوامل مؤثر بر خشونت در روابط زناشویی به گونه‌های متفاوتی تفسیر شده؛ که از دیدگاه‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی، تساوی‌گرایی، یادگیری اجتماعی و بوم‌شناختی نشأت گرفته است. دیدگاه روان‌شناختی در تبیین خشونت خانگی، نقش آشفتگی‌ها و اختلال‌های روان‌شناختی و روان‌پزشکی نظیر آسیب‌شناسی روانی، اختلال شخصیت، نیازهای دلبستگی، خشم- خصومت، سوءاستفاده از مواد و الکل، عزت‌نفس پایین و توانمندی‌های فردی نظیر ابزار وجود بیش از حد یا ضعیف، مشکلات ارتباطی و مهارت‌های حل مسأله ضعیف را بررسی می‌کند (اعظم‌علی و نایلور، ۲۰۱۳).

1. conjugal violence
2. domestic violence

برخی از پژوهشگران معتقداند که اختلال شخصیت مرزی یکی از عوامل تعیین‌کننده خشونت زناشویی است. به‌عنوان مثال ماریکیو، تین و لویز (۲۰۰۷) نشان دادند اختلال شخصیت مرزی و ضداجتماعی در مردان میانجی‌گر رابطه بین سبک دلبستگی اجتنابی و خشونت جسمانی و روان‌شناختی؛ و نیز میانجی‌گر رابطه بین سبک دلبستگی اضطرابی و خشونت روان‌شناختی توسط مردان نسبت به همسرشان است. روس (۲۰۱۱) دریافت که اختلال شخصیت مرزی در زنان و اختلال شخصیت ضداجتماعی و مرزی در مردان با خشونت جسمانی؛ و نیز عدم تعادل هیجانی با نشانه‌های اختلال شخصیت مرزی همبسته است. از این‌رو نتیجه گرفت خشونت نسبت به همسر در مردان دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی و مرزی، واکنشی برای کنترل هیجان‌ها؛ و خشونتی ابزاری برای تسلط بر شریک خود و یا خشونتی واکنشی و منفعل برای تسلط بر عدم تعادل هیجانی است؛ درحالی‌که خشونت در زنان به احتمال زیاد منعکس‌کننده خشونت دوجانبه و یا کنترل دوجانبه در روابط است. در پژوهش مانتا، کوهن، اسکولز و والدینگر (۲۰۱۳) صفات شخصیت مرزی در مردان با خشونت جسمانی نسبت به همسرشان همبسته بود. درحالی‌که، زنان با صفات شخصیت مرزی متحمل خشونت جسمانی بیشتری از جانب همسران خود بودند. بنابراین پژوهشگران مذکور نتیجه گرفتند احتمالاً افراد با صفات شخصیت مرزی، نقص‌هایی در خودتنظیمی دارند که منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز از جانب آن‌ها می‌شود و بدین ترتیب، ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیزی را از جانب همسرشان نیز فراخوانی کند؛ بنابراین مشکلات خودتنظیمی در یکی از زوجین می‌تواند منجر به تحریک خشم در زوج دیگر و ناتوانی در خنثی کردن این خشم شود.

اختلال شخصیت مرزی اغلب به‌عنوان اختلالی شامل بدتنظیمی در روابط بین‌فردی، رفتار، هویت و شناخت توصیف شده است، با این‌حال، تصور می‌شود بدتنظیمی هیجانی هسته مرکزی این اختلال است. بدتنظیمی هیجانی ناتوانی در مدیریت و مقابله مؤثر با هیجان‌ها است. بر پایه الگوی زیستی- اجتماعی لینهان<sup>۱</sup> (۱۹۹۳)، افراد دچار اختلال شخصیت مرزی پیش‌آمدگی زیستی برای حساسیت هیجانی دارند که این حساسیت منجر به گرایش به تجربه عواطف منفی در همه زمینه‌ها و شرایط می‌شود؛ و یادگیری راهبردهای تنظیم هیجانی مناسب را برای آن‌ها دشوار می‌سازد. نقص در راهبردهای مناسب تنظیم هیجان، ممکن است تمایل به درگیر شدن در رفتارهای ناکارآمد را برای مدیریت و کاهش عاطفه منفی افزایش دهد. این فرایند چهار جزئی، به پیامدهای منفی منجر می‌شود، که به‌نوبه خود حساسیت هیجانی را تقویت می‌کند. پیامد این فرایند، الگوی مکرر بدتنظیمی هیجانی است.

افراد دچار اختلال شخصیت مرزی قادر به تحمل پریشانی در زندگی روزمره خود نیستند و برای مدیریت آشفتگی‌ها و عواطف منفی خود، به راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه نظیر نشخوار فکر<sup>۱</sup>، سرکوب فکر<sup>۲</sup>، اجتناب<sup>۳</sup> و رفتارهای تکانشی<sup>۴</sup> مانند پرخاشگری و خشونت متوسل می‌شوند (کارپنتر و ترول، ۲۰۱۳). تبیین چگونگی بروز این رفتارهای ناکارآمد در الگوی آبشار هیجانی<sup>۵</sup> (سلبی، آنستیس و جوینر، ۲۰۰۸؛ سلبی و جوینر، ۲۰۰۹) ارائه شده است، که بر پایه الگوی زیستی- اجتماعی لینهان (۱۹۹۳) قرار دارد. در الگوی آبشار هیجانی، عاطفه منفی در افراد دچار اختلال شخصیت مرزی، آغازگر نشخوار فکری، و این خود منجر به تشدید عاطفه منفی و نشخوار فکری بیشتر می‌شود. این چرخه معیوب که آبشار هیجانی نام دارد، به تجربه ناخوشایندی از هیجان‌های منفی و نشخوار فکری، و به دنبال آن رفتارهای آشفته شدیدی نظیر خودزنی، استفاده از مواد، روابط مختل، رفتار پرخاشگرانه، قضاوت منفی از خود و فشار روانی پس‌آسیبی منجر می‌شود. با این رفتارها توجه فرد را از عاطفه منفی و افکار نشخواری منحرف می‌شود. به نظر می‌رسد در طی آبشار هیجانی متغیرهایی نظیر فاجعه‌سازی نگرانی، سرکوب فکر و تحمل پایین پریشانی، با نشخوار فکری تعامل پیدا می‌کنند و منجر به حفظ یا تشدید آبشار هیجانی می‌شوند.

از سویی دیگر یکی از نزدیک‌ترین روابط بین‌فردی به دنبال ازدواج و رابطه زناشویی، شکل می‌گیرد. صادقی، پورا اعتماد و مظاهری (۱۳۸۸) نیز نشان دادند ازدواج معتبرترین پیش‌بینی‌کننده نمره کل سلامت عمومی است. اگر به هر دلیلی در خانواده نارضایتی و ناسازگاری به وجود آید، زمینه ناکامی و خشم فراهم می‌شود. خشم نیز با ایجاد زمینه‌های رنجش و آزرده‌گی می‌تواند به بروز نارضایتی دامن بزند و این دور باطل به وخامت شرایط، نارضایتی و خشم بیافزاید (عرب، شهیدی و باقریان، ۱۳۹۰). ناسازگاری و خشونت در ازدواج اثرات زیان‌باری بر سلامت جسمانی، روانی و توانایی فرد قربانی برای زندگی سالم و موفق دارد و ممکن است این پیامدهای نامطلوب، به خانواده این افراد، سایر روابط‌شان و جامعه نیز تعمیم یابد (کریس، بریدینگ، براون و وارنر، ۲۰۱۱). پژوهش‌ها نشان داده‌اند قرار گرفتن دراز مدت در رویدادهای تهدیدکننده زندگی، از جمله خشونت زناشویی، با شروع، تداوم و عود اختلال‌های روانی مرتبط است و مردان و زنان دچار اختلال‌های روانی در خطر بیشتری برای تجربه خشونت هستند (تریویلیون، فیدر، اورام و

1. rumination
2. thought suppression
3. avoidance
4. impulsive
5. emotional cascade model

هوارد، ۲۰۱۲). در واقع خشونت در روابط زناشویی مردان و زنان دچار اختلال شخصیت، تظاهر آسیب‌های روان‌شناختی آن‌ها است و به‌نظر می‌رسد خاصیت تنظیم هیجانی داشته باشد و با راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه مانند نشخوار فکری و سرکوب فکر مرتبط باشد. بنابراین به‌نظر می‌رسد بتوان با بررسی یافته‌های پژوهشی در حوزه خشونت زناشویی، اختلال شخصیت مرزی و راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه، الگویی طراحی و رابطه این اختلال‌ها را با خشونت زناشویی تبیین کرد. هدف این پژوهش نیز تعیین روابط بین متغیرهای مذکور با استفاده از روش الگویابی معادله‌های ساختاری و پرسش‌های پژوهش نیز به‌قرار زیر بود.

۱. آیا الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های گردآوری شده، برازش دارد؟
۲. آیا نشانه‌های شخصیت مرزی و راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکری و سرکوب فکر در قالب یک الگو، خشونت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند؟
۳. آیا راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکر و سرکوب فکر، رابطه بین نشانه‌های شخصیت مرزی و خشونت زناشویی را میانجی‌گری می‌کند؟

## روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری شامل تمام دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج به تعداد ۲۸۰۰۰ دانشجو در سال ۱۳۹۳ بود؛ که از میان آن فقط دانشجویان متأهلی که شرایط ورود به پژوهش را داشتند در نمونه‌گیری چندمرحله‌ای وارد شدند. گادانگولی و ولیسر (۱۹۹۸) پیشنهاد می‌کنند در پژوهش با رویکرد الگویابی و تحلیل مسیر، نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ نفر یا بیش‌تر ضروری است و با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، گروه نمونه پژوهش حاضر شامل ۳۱۱ دانشجوی متأهل به تعداد ۱۵۴ مرد و ۱۵۷ زن بود. در مرحله اول نمونه‌گیری از بین ۱۲ دانشکده به استثنای دانشکده روانشناسی، ۴ دانشکده «فنی و مهندسی»، «مدیریت و حسابداری»، «الهیات» و «حقوق و علوم سیاسی»؛ در مرحله دوم از دانشکده‌های مذکور رشته‌های تحصیلی «مهندسی مواد- متالوژی صنعتی» و «مهندسی مواد- شناسایی و انتخاب مواد مهندسی»؛ «حسابداری» و «مدیریت صنعتی تولید»؛ «الهیات و معارف اسلامی- فلسفه و حکمت اسلامی» و «الهیات و معارف اسلامی- علوم قرآن و حدیث» و «روابط بین- الملل» و «حقوق خصوصی» و در مرحله سوم با مراجعه به گروه‌های آموزشی دانشکده‌ها ۸ کلاس از هر رشته تحصیلی به‌صورت تصادفی انتخاب شد. معیارهای ورود به پژوهش شامل تأهل، حداقل زندگی مشترک به مدت دو سال و رضایت آزمودنی برای ورود به پژوهش بود.

بررسی‌ها با استفاده از روش تفکیک مهلنوبایس<sup>۱</sup> نشان داد که ۵ آزمودنی از کل ۳۱۱ آزمودنی پژوهش پرت هستند. لذا اطلاعات مربوط به آن‌ها حذف و داده‌های مربوط به ۳۰۶ آزمودنی تحلیل شد.

## ابزار پژوهش

۱. **مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های تعارض.** این مقیاس توسط استراوس، همبلی، بانی-مک‌کوی، و سوگارمن (۱۹۹۶) ساخته شد؛ و یک ابزار خود گزارش‌دهی برای ارزیابی تعارض‌های زناشویی به صورت دوجانبه طی یک سال گذشته و شامل ۷۸ سوال و پنج خرده‌مقیاس است. شماره سوال‌های حمله جسمانی و حمله جسمانی همسر ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۷، ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۵۳، ۵۴، ۶۱، ۶۲، ۷۳ و ۷۴؛ اجبار جنسی و اجبار جنسی همسر ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۷۵ و ۷۶؛ پرخاشگری روان‌شناختی و پرخاشگری روان‌شناختی همسر ۶، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۳۶، ۴۹، ۵۰، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹ و ۷۰؛ صدمه و صدمه همسر ۱۱، ۱۲، ۲۳، ۲۴، ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۴۲، ۵۵، ۵۶، ۷۱ و ۷۲؛ و مذاکره و مذاکره همسر ۱، ۲، ۳، ۴، ۱۳، ۱۴، ۳۹، ۴۰، ۵۹، ۶۰، ۷۷ و ۷۸؛ در طیف لیکرت از «= هرگز» تا «= ۶ = بیش از بیست بار در سال گذشته» ارزیابی می‌شود. استراوس و همکاران (۱۹۹۶) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۹ تا ۰/۹۵ را برای کل مقیاس و روایی همگرایی قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای حمله جسمانی و حمله جسمانی همسر و پرخاشگری روان‌شناختی و پرخاشگری روان‌شناختی همسر به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۹۱، ۰/۸۵ و ۰/۸۰ محاسبه شد.

۲. **سیاهه نشانه‌های مرزی.** این ابزار خود گزارش‌دهی توسط بوهوس، لیمبرگر، فرنک، چاپمن، کوهلر و همکاران (۲۰۰۷) ساخته شده و شامل ۹۵ سوال ۷ خرده‌مقیاس است شماره سوال‌های ادراک از خود ۱، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۳۳، ۳۶، ۴۳، ۴۶، ۵۴، ۵۸، ۶۱، ۷۱، ۷۵، ۹۰ و ۹۲؛ تنظیم هیجان ۴، ۱۰، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۴۲، ۴۷، ۵۰، ۵۶، ۷۰، ۷۳، ۸۳ و ۹۱؛ خودتخریب‌گری ۱۸، ۲۲، ۲۸، ۳۵، ۳۸، ۶۲، ۷۴، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۹۳ و ۹۴؛ ملال ۵، ۲۱، ۲۶، ۳۹، ۵۵، ۶۳، ۶۸، ۷۲، ۸۰ و ۹۵؛ تنهایی ۳، ۱۱، ۱۳، ۱۹، ۲۴، ۴۸، ۵۱، ۶۵، ۶۹، ۷۹، ۸۴ و ۸۹؛ تعدی ۲۰، ۲۵، ۴۱، ۴۴، ۵۲، ۵۷، ۵۹، ۶۶، ۶۷، ۷۸ و ۸۱؛ و خصومت ۲۷، ۴۰، ۴۵، ۵۳، ۶۰ و ۶۴؛ راد در یک طیف لیکرت از «= اصلاً» تا «= ۴ = بسیار زیاد» ارزیابی می‌کند. عبارت‌های ۲۱، ۲۶، ۳۹، ۵۵، ۶۳، ۶۸، ۷۲، ۸۰ و ۹۵ معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نمره شخصیت مرزی از جمع نمره‌های ۷

خرده‌مقیاس و ۱۲ ماده که به هیچ‌یک از این خرده‌مقیاس‌ها مربوط نیستند، به‌دست می‌آید. بوهوس و همکاران (۲۰۰۷) ضریب آلفای کرونباخ  $0/97$  را برای کل مقیاس و روایی همگرایی قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای ادراک از خود، تنظیم هیجان، خودتخریب‌گری، ملال، تنهایی، تعدی و خصومت به‌ترتیب  $0/96$ ،  $0/94$ ،  $0/94$ ،  $0/95$ ،  $0/91$  و  $0/90$  محاسبه شد.

**۳. مقیاس پاسخ‌های نشخواری.** این ابزار خود گزارش‌دهی شامل ۲۲ سوال است که توسط نولن-هوکسیما و مارو (۱۹۹۱) برای ارزیابی دامنه‌ای طراحی شد که افراد به‌طور معمول با تمرکز بر خود، نشانه‌ها و پیامدهای خلق بر احساسات ناراحتی، دلتنگی و افسردگی خود پاسخ می‌دهند و در یک طیف لیکرت از «۱= تقریباً هرگز» تا «۴= تقریباً همیشه» رتبه‌بندی شده است. نولن-هوکسیما و مارو (۱۹۹۱) ضریب آلفای کرونباخ  $0/89$  را برای کل مقیاس و روایی واگرایی قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس  $0/83$  محاسبه شد.

**۴. مقیاس سرکوب خرس سفید.** این ابزار خود گزارش‌دهی شامل ۱۵ سوال است که توسط وگنر و زاناکاس (۱۹۹۴) برای ارزیابی تلاش آگاهانه برای پیشگیری یا حذف افکار خاص از ورود به خودآگاه طراحی و در یک طیف لیکرت از «۱= کاملاً مخالف» تا «۵= کاملاً مخالف» رتبه‌بندی شده است. وگنر و زاناکاس (۱۹۹۴) ضریب آلفای کرونباخ  $0/89$  را برای کل مقیاس و روایی همگرایی قابل قبولی برای این مقیاس گزارش کردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس  $0/87$  محاسبه شد.

**شیوه اجرا.** دانشجویان هر کلاس به صورت گروهی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. برای جلوگیری از سوگیری احتمالی در پاسخ به پرسشنامه‌ها و تقویت اعتبار نتایج جمع‌آوری شده از راه‌کار ایجاد موازنه استفاده و با تغییر در ترتیب ارائه پرسشنامه‌ها، زمینه حفظ تعادل در اعتبار پاسخ‌ها به گویه‌های پرسشنامه‌ها فراهم شد. برای تحلیل داده‌ها از روش الگویایی معادله‌های ساختاری استفاده شد. الگوی معادله‌های ساختاری کامل از دو مؤلفه، الگوی ساختاری و الگوی اندازه‌گیری تشکیل شده است. بنابراین پیش از پرداختن به الگوی ساختاری، الگوی اندازه‌گیری پژوهش حاضر ارزیابی شد تا مشخص شود آیا متغیرهای مشاهده شده از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون برخوردارند یا خیر. الگوی اندازه‌گیری به‌وسیله تحلیل عاملی تأییدی با استفاده از نرم‌افزار آموس<sup>۱</sup> هفت و برآورد بیشینه احتمال انجام شد.

**یافته‌ها**

۴۹/۵ درصد آزمودنی‌ها مرد و ۵۰/۵ درصد آن‌ها زن بودند. ۱۱۴ نفر زیر ۳۰ سال، ۱۲۰ نفر ۳۰ تا ۴۰ سال و ۷۷ نفر بالاتر از ۴۰ سال داشتند. مدت زمان زندگی مشترک ۱۰۶ نفر زیر ۵ سال، ۷۶ نفر ۶ تا ۱۰ سال، ۴۶ نفر ۱۱ تا ۱۵ سال و ۸۳ نفر بالاتر از ۱۶ سال بود. میانگین سنی و مدت زمان زندگی مشترک گروه شرکت‌کننده در پژوهش به ترتیب ۳۴/۶۸ و ۱۰/۸۱ و انحراف معیار آن به ترتیب ۷/۷۴ و ۷/۷۴ بود.

**جدول ۱. میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای پژوهش**

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
شخصیت مرزی	۱۷/۷۲	۱۷/۶۵	۰/۶۸۸	-۰/۸۵۷
ادراک از خود	۱۵/۶۳	۱۳/۲۲	۰/۵۳۹	-۰/۹۷۶
تنظیم هیجان	۹/۷۴	۱۱/۵۳	۱/۰۷	۰/۱۰۷
خودتخریب‌گری	۱۹/۴۱	۱۱/۸۰	-۰/۲۱۸	-۱/۱۴۳
ملال	۱۲/۳۸	۱۲/۱۷	۰/۷۱۱	-۰/۷۲۰
تنهایی	۷/۸۵	۹/۰۹	۱/۰۳	۰/۰۸
تعدی	۶/۴۵	۶/۰۷	۰/۶۷۹	-۰/۶۱۷
خصوصیت				
راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه	۳۹/۰۸	۱۵/۱۱	-۰/۰۸۹	-۱/۰۷
نشخوار فکری	۴۲/۳۷	۱۴/۷۷	۰/۳۱۷	-۰/۸۵۳
سرکوب فکر				
خشونت زناشویی	۸/۸۷	۸/۷۳	۰/۶۶۹	۰/۱۳۸
خشونت روان‌شناختی	۷/۰۴	۷/۵۲	۱/۱۱۷	۰/۸۴۹
خشونت روان‌شناختی همسر	۳/۷۵	۶/۵۳	۲/۶۴۳	۸/۲۸۷
خشونت جسمانی	۴/۹۶	۲/۴۹	۲/۷۳۲	۹/۳۱۴
خشونت جسمانی همسر	۱/۷۰	۳/۲۶	۲/۵۶	۸/۲۹۰
آسیب	۱/۰۸	۲/۵۷	۳/۶۳	۱۶/۶۷
آسیب همسر				

جدول ۱ نشان می‌دهد ارزش‌های چولگی و کشیدگی ابعاد راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه توزیع طبیعی دارند. نمره‌های داده‌های مربوط به ابعاد شخصیت مرزی و خشونت زناشویی به ریشه دوم تغییر یافت.



جدول ۲. چولگی و کشیدگی ریشه دوم ابعاد شخصیت مرزی و خشونت زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
شخصیت مرزی				
ادراک از خود	۳/۴۳	۲/۳۷	۰/۱۱۱	-۱/۳۲
تنظیم هیجان	۳/۴۲	۱/۹۱	-۰/۱۳۱	-۱/۰۷
خودتخریب‌گری	۲/۲۹	۲/۱۱	۰/۳۱۳	-۱/۳۱
ملال	۴/۰۰	۱/۸۱	-۰/۹۶۱	-۰/۱۰۶
تنهایی	۲/۸۴	۲/۰۴	۰/۰۰۳	-۱/۲۸
تعدی	۲/۰۶	۱/۸۵	۰/۲۷۱	۱/۳۱
خصوصیت	۲/۰۵	۱/۴۶	-۰/۱۳۱	-۱/۲۴
خشونت زناشویی				
خشونت روان‌شناختی	۲/۳۳	۱/۸۱	-۰/۰۶۱	-۱/۳۹
خشونت روان‌شناختی همسر	۲/۰۶	۱/۶۶	۰/۱۰	-۱/۲۰
خشونت جسمانی	۱/۲۴	۱/۵۰	۱/۰۵	۰/۳۲
خشونت جسمانی همسر	۱/۳۸	۱/۷۱	۱/۰۶	۰/۳۱
آسیب	۰/۷۳	۱/۰۸	۱/۲۶	۰/۵۶۰
آسیب همسر	۰/۵۰۰	۰/۹۱	۱/۷۱	۱/۸۸

جدول ۲ نشان می‌دهد ارزش‌های چولگی و کشیدگی ریشه دوم ابعاد شخصیت مرزی و خشونت زناشویی توزیع طبیعی دارند. مجذورکای  $P < 0.05$ ,  $F(47, 64) = 3.06$ ,  $\chi^2$  نشان داد الگو با داده‌ها برازش ندارد. از شاخص‌های برازندگی دیگر از قبیل مجذورکای نرم‌شده استفاده شد. اغلب صاحب‌نظران مجذورکای نرم‌شده کوچک‌تر از ۳ را نشان‌دهنده برازندگی مناسب الگو تلقی می‌کنند (گیلز، ۲۰۰۲). مجذورکای نرم‌شده برای الگوی اندازه‌گیری ۷/۴۸ بود که بیانگر عدم برازش قابل قبول الگو با داده‌ها بود. بررسی دیگر شاخص‌های برازندگی مثل شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص نکویی برازش، ریشه خطای میانگین مجذورات تقریب و شاخص تعدیل‌شده برازندگی نیز نشان داد که الگوی اندازه‌گیری برازش قابل قبولی با داده‌ها ندارد. به همین جهت شاخص‌های اصلاح بررسی شد. بررسی شاخص‌های اصلاح نشان داد که اگر بین خطاهای خشونت جسمی و آسیب همسر، آسیب و خشونت جسمی همسر، خشونت جسمی همسر و آسیب جسمی همسر، خصوصیت و خشونت روان‌شناختی و تعدی و خودتخریب‌گری کوواریانس ایجاد شود شاخص مجذورکای به میزان ۳۱۵ واحد کاهش‌یافته و الگو، برازش مطلوبی با داده‌ها پیدا خواهد کرد. با اصلاح الگوی اولیه در پنج مرحله شاخص‌هایی به‌دست آمد که نشان داد الگوی اندازه‌گیری برازش قابل قبولی با داده‌ها دارد.

جدول ۳. پارامترهای الگوی اندازه‌گیری در تحلیل عاملی تأییدی

متغیرهای مکنون-نشان‌گر	برآورد پارامتر b	پارامتر معیار B	خطای معیار	نسبت بحرانی
شخصیت-ادراک از خود	۱/۳۰	۰/۹۷۳	۰/۰۳۰	۴۳/۲۱**
شخصیت-تنظیم هیجان	۱/۰۳	۰/۹۵۴	۰/۰۲۷	۳۸/۴۹**
شخصیت-خود تخریب‌گر	۱/۱۳۰	۰/۹۴۴	۰/۰۲۸	۴۰/۹۳**
شخصیت-ملال	۰/۷۳۱	۰/۷۱۴	۰/۰۴۴	۱۶/۷۷**
شخصیت-تنهایی	۱/۱۱	۰/۹۵۲	۰/۰۲۷	۴۰/۷۳**
شخصیت-تعدی	۰/۸۹۹	۰/۹۵۲	۰/۰۳۳	۲۷/۲۴**
شخصیت-خصوصیت	۰/۷۶۹	۰/۹۳۰	۰/۰۲۳	۳۳/۹۸**
خشونت روان‌شناختی	۱/۰۸	۰/۹۴۹	۰/۰۳۱	۳۴/۷۳**
خشونت روان‌شناختی همسر	۱/۱۵	۰/۸۰۱	۰/۰۵۶	۱۴/۰۱**
خشونت جسمانی	۰/۶۸۳	۰/۷۲۰	۰/۰۴۱	۱۶/۷۲**
خشونت جسمانی همسر	۰/۸۶۵	۰/۷۱۵	۰/۰۴۲	۲۰/۸۰**
آسیب	۰/۴۷۷	۰/۶۹۷	۰/۰۳۰	۱۵/۷۳**
آسیب همسر	۰/۲۷۶	۰/۴۷۶	۰/۰۳۰	۹/۰۹**

P<۰/۰۵

P<۰/۰۱

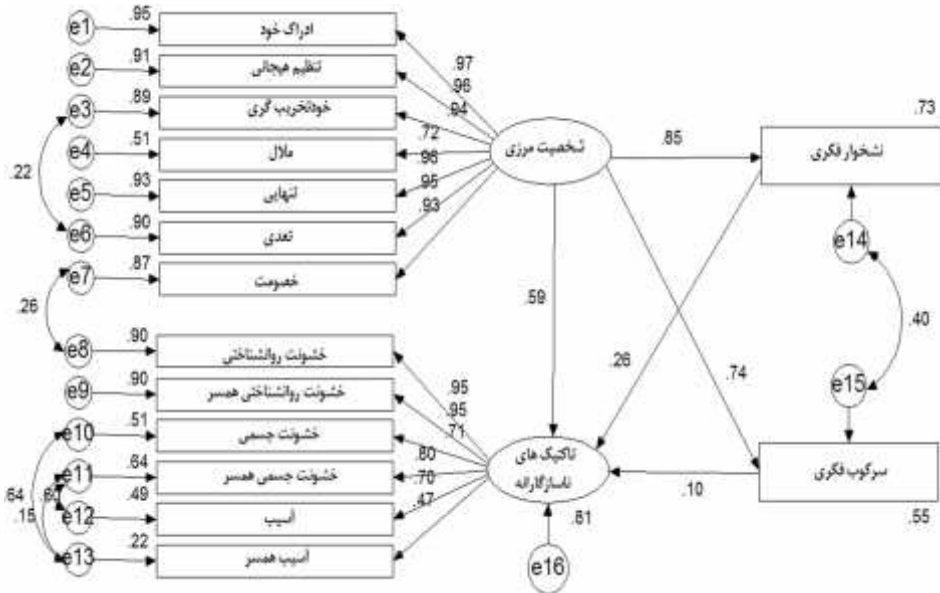
جدول ۳ توان نشانگرها را در سنجش متغیرهای مکنون نشان می‌دهد. با روش الگویابی معادله-های ساختاری برای ارزیابی چگونگی برازش الگو مشخص شد الگو با داده‌ها برازش ضعیفی دارد.  $\chi^2 (N = 306, df = 182) = 255.98$ ،  $AGFI = 0.814$ ،  $GFI = 0.891$ ،  $CFI = 0.972$ ،  $RMSEA = 0.083$  و  $AGFI = 0.814$ ،  $GFI = 0.891$ ،  $CFI = 0.972$ ،  $\chi^2 (N = 306, df = 182) = 255.98$  با وجود این بررسی شاخص‌های اصلاح نشان داد با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشان‌گر نشخوار فکر و سرکوب فکر، ارزش مجذورکای به مقدار ۵۲ واحد کاهش و شاخص‌های برازندگی بهبود می‌یابد. به عبارت دیگر الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های گردآوری شده، برازش دارد.

جدول ۴. ضرایب مسیر بین شخصیت مرزی، نشخوار فکری، سرکوب فکر و خشونت زناشویی

مسیرها		اثر کل		اثر مستقیم		اثر غیرمستقیم	
پارامتر معیار B	خطای معیار	پارامتر معیار B	خطای معیار	پارامتر معیار B	خطای معیار	پارامتر معیار B	خطای معیار
۰/۸۵۳**	۰/۰۱۶	-	-	-	-	-	-
۰/۷۳۹**	۰/۰۲۶	-	-	-	-	-	-
۰/۸۸۳**	۰/۰۱۵	۰/۵۸۵**	۰/۰۵۶	۰/۲۹۸**	۰/۰۴۹	-	-
۰/۲۶۳**	۰/۰۵۹	-	-	-	-	-	-
۰/۰۹۹*	۰/۰۴۵	-	-	-	-	-	-

\*P<۰/۰۵ \*\*P<۰/۰۱

جدول ۴ نشان می‌دهد ضریب مسیر غیرمستقیم بین متغیرهای مکنون نشانه‌های شخصیت مرزی و خشونت زناشویی با میانجی‌گری متغیرهای مشاهده‌شده نشخوار فکری و سرکوب فکر به لحاظ آماری معنادار است.



شکل ۱. الگوی ساختاری پژوهش در تبیین روابط متغیرهای پژوهش

شکل ۱ نشان می‌دهد نشانه‌های شخصیت مرزی و راهبردهای تنظیم هیجانی نشخوار فکر و سرکوب فکر در قالب یک الگو، خشونت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان داد که در الگوی تدوین‌شده، نشانه‌های شخصیت مرزی، نشخوار فکر و سرکوب فکر در قالب یک الگو می‌توانند خشونت زناشویی را پیش‌بینی کنند، و برازش مطلوبی با داده‌های گردآوری‌شده دارد و متغیرهای نشخوار فکر و سرکوب فکر میانجی‌گر رابطه بین نشانه‌های شخصیت مرزی و خشونت زناشویی است. اغلب پژوهش‌ها در این زمینه آسیب‌شناسی روانی مردان خشونت‌گر و زنان خشونت‌دیده را بررسی کرده‌اند. با این حال، این یافته پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌هایی است که در تبیین خشونت زناشویی، نشانه‌های شخصیت مرزی و نقش در

خودتنظیمی هیجانی را برجسته ساخته‌اند. به‌عنوان مثال، وین استین، گلاسون و اولمانس (۲۰۱۲)، روس (۲۰۱۱)، والش و همکاران (۲۰۱۰)، هوگس، استوارت، گوردون و مور (۲۰۰۷)، زانارینی و همکاران (۱۹۹۹).

تعامل پیش‌آمدگی‌های زیستی و شرایط محیطی بی‌اعتبار کودکی منجر به نواقصی در کسب مهارت‌های لازم برای تنظیم تجربه‌های هیجانی و بی‌ثباتی عاطفی و شناخت‌ها، رفتارها، و روابط بین‌فردی ناکارآمد می‌شود (اسکودول، ۲۰۰۲؛ سیور، تورگرسون، گاندرسون، لیوزلی، و کندلر، ۲۰۰۲). راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه مانند نشخوار فکر و سرکوب فکر نوعی سبک مقابله با عاطفه منفی است که منجر به افزایش افکار مختل و آشفتگی روان‌شناختی و در نهایت رفتارهای ناکارآمد در اختلال شخصیت مرزی در یک چرخه معیوب می‌شود. به‌عقیده سلبی و جوینر (۲۰۰۹) یکی از اصلی‌ترین مشخصه‌های اختلال شخصیت مرزی درگیر شدن در رفتارهای ناکارآمد است. رفتارهای ناکارآمد به‌عنوان رفتارهایی تعریف شده است که مهار آن‌ها دشوار است، به فرد آسیب می‌زند و کارکردهای فرد را مختل می‌سازد. الگوی آبشار هیجانی (سلبی و همکاران، ۲۰۰۸؛ سلبی و جوینر، ۲۰۰۹) پیشنهاد می‌کند که افراد با اختلال شخصیت مرزی در چرخه معیوبی به نام آبشار هیجانی گرفتار می‌شوند که در طی آن نشخوار فکری منجر به تشدید عاطفه منفی و تشدید عاطفه منفی نیز منجر به نشخوار فکر بیشتری می‌شود. ادراک طرد یا رهاشدگی واقعی یا خیالی توسط همسر و به‌نوعی بی‌اعتبارسازی هیجانی که در نظریه لینهان (۱۹۹۳) به‌صورت رفتارهایی نظیر غفلت، سرزنش و سوءرفتار از جانب دیگران نسبت به افراد دارای اختلال شخصیت مرزی تعریف شده، ممکن است آغازگر آبشار هیجانی باشد. همچنان‌که هیجان‌های منفی شدت می‌یابند، افراد توجه بیشتری را صرف تجربه‌های هیجانی می‌کنند و منحرف کردن توجه برای آن‌ها دشوار می‌شود.

نشخوار فکری قابلیت تشدید انواع هیجان‌های منفی از جمله غم، ترس و خشم را دارد و تجربه این هیجان‌ها را طولانی‌تر می‌سازد. این چرخه ممکن است یک پاسخ عاطفی تقویت‌شده را حتی در برابر محرک‌های هیجانی ناچیز تولید کند، علاوه بر این، این چرخه خود را تداوم می‌بخشد به‌طوری‌که ممکن است برای مدت زمان طولانی دوام آورد. بنابراین، نشخوار فکر ممکن است عاطفه شدید، حساسیت افراطی به محرک‌های هیجانی و بازگشت کند یا تأخیری به خط‌پایه برانگیختگی هیجانی در اختلال شخصیت مرزی را تبیین کند که توسط لینهان (۱۹۹۳) در الگوی زیستی- اجتماعی ارائه شده است. این چرخه معیوب منجر به حالت‌های هیجانی می‌شود که تنفرانگیز، آزاددهنده و غیرقابل تحمل است و در نهایت به‌وسیله رفتارهای ناکارآمدی مانند خودتخریب‌گری، سوءمصرف مواد و پرخاشگری قطع می‌شود. بنابراین، رفتارهای ناکارآمد به این افراد این امکان را می‌دهد که توجه خود را از محرک‌های عاطفی منفی منحرف کنند و در نتیجه

آبشار هیجانی را قطع کنند. به نظر می‌رسد متغیرهایی نظیر سرکوب فکر در طول آبشار هیجانی با نشخوار فکر تعامل می‌کند و منجر به حفظ یا تشدید آبشار هیجانی می‌شود (سلبی و همکاران، ۲۰۰۸؛ سلبی و جوینر، ۲۰۰۹). سلبی و جوینر (۲۰۰۹) پیشنهاد کردند که سرکوب فکر نه تنها منجر به نشخوار فکر نمی‌شود، بلکه تلاش آگاهانه برای جلوگیری از نشخوار فکر است.

بدین ترتیب، ممکن است افراد دچار اختلال شخصیت مرزی برای اجتناب از عاطفه منفی و راهبردهای تنظیم هیجانی ناسازگارانه که نتیجه تعامل عوامل زیستی و محیطی است، به برون-ریزی رفتارهایی نظیر خشم و خشونت روان‌شناختی و جسمانی نسبت به همسر خود متوسل شوند. از سویی عدم تعادل هیجانی در این افراد ممکن است انواع خشونت را از جانب همسرشان فراخوانی کند. از این رو پیشنهاد می‌شود به عوامل زیست‌شناختی و روان‌شناختی دخیل در اختلال شخصیت مرزی در تدوین برنامه‌های درمانی توجه شود.

برخی از محدودیت‌های روش شناختی پژوهش حاضر تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجه می‌کند. افراد شرکت‌کننده در این پژوهش دانشجویان بودند که این امر تعمیم‌پذیری این یافته‌ها را به جوامع دیگر دشوار می‌سازد. در پژوهش حاضر خرده‌مقیاس «اجبار جنسی» به دلیل محدودیت‌های فرهنگی حذف شد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی، در مورد افراد عادی جامعه با طبقات اجتماعی-اقتصادی متفاوت و نیز در مورد افراد با تشخیص اختلال شخصیت مرزی و افراد با شکایت تعارض و خشونت زناشویی و یا افراد در دادرهای خانواده با شکایت‌های مشابه انجام پذیرد و همچنین در مورد «اجبار جنسی» نیز مطالعه و پژوهش شود.

## منابع

حسن پور ازغدی، بتول، سیمبر، معصومه، و کرمانی، مهدی. (۱۳۹۰). خشونت خانگی علیه زنان: مروری بر نظریه‌ها، میزان شیوع و عوامل مؤثر بر آن. نشریه علمی پژوهشی دانشکده پرستاری و مامایی، ۲۱(۷۳): ۴۴-۵۲.

سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

صادقی، منصوره السادات، پوراعتقاد، حمیدرضا، و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۸۸). نقش ازدواج در سلامت عمومی زوج‌های جوان: مطالعه‌ای طولی. فصلنامه روانشناسی کاربردی، تابستان ۳(۲): ۱۰-۲۴.

عرب، علی، شهیدی، شهریار، و باقریان، فاطمه. (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش بخشایش بر میزان خشم و مؤلفه‌های آن در افراد متأهل. فصلنامه روانشناسی کاربردی، زمستان ۵(۴): ۲۰-۲۵.

- Azam Ali, P., & Naylor, P. B. (2013). Intimate partner violence: A narrative review of the biological & psychological explanations for its causation. *Aggression & Violent Behavior*, 18(3): 373-382.
- Bohus, M., Limberger, M. F., Frank, U., Chapman, A. L., Kühler, T., & Stieglitz, R. D. (2007). Psychometric properties of the borderline symptom list. *Psychopathology*, 40(2): 126-132.
- Breiding, M. J., Black, M. C., & Ryan, G. W. (2008). Prevalence and risk factors of intimate partner violence in eighteen U.S. states/territories, 2005. *American Journal of Preventive Medicine*, 34(2): 112-118.
- Carpenter, R. W., & Trull, T. J. (2013). Components of emotion dysregulation in borderline personality disorder: A review. *Current Psychiatry Reports*, 15(1): 335.
- Flynn, A., & Graham, K. (2010). "Why did it happen?" A review & conceptual framework for research on perpetrators' & victims' explanations for intimate partner violence. *Aggression and Violent Behavior*, 15(3): 239-251.
- Giles, D. C. (2002). *Advanced research methods in psychology*: New York: Routledge.
- Guadagnoli, E., & Velicer, W. F. (1998). Relation to sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2): 265-275.
- Hughes, F. M., Stuart, G. L., Gordon, K. C., & Moore, T. M. (2007). Predicting the use of aggressive conflict tactics in a sample of women arrested for domestic violence. *Journal of Social & Personal Relationships*, 24(2): 155-176.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling, edition 2*, New York & London: Guilford press.
- Kuijpers, K. F., van der Knaap, L. M., & Lodewijks, I. A. J. (2011). Victims' influence on intimate partner violence revictimization: A systematic review of prospective evidence. *Trauma Violence Abuse*, 12(4): 198-219.
- Lawson, D. M., & Brossart, D. F. (2013). Interpersonal problems & personality features as mediators between attachment & intimate partner violence. *Violence & Victims*, 28(3): 414-28.
- Maneta, E. K., Cohen, S., Schulz, S., & Waldinger, R. J. (2013). Two to tango: A dyadic analysis of links between borderline personality traits & intimate partner violence. *Journal of Personality Disorders*, 27(2): 233-43.
- Mauricio, A. M., Tein, J. Y., & Lopez, F. G. (2007). Borderline & antisocial personality scores as mediators between attachment & intimate partner violence. *Violence & Victim*, 22(2): 139-57.
- Nolen-Hoeksema, S., & Morrow, J. (1991). A prospective study of depression & posttraumatic stress symptoms after a natural disaster: The 1989 Loma Prieta earthquake. *Journal of Personality & Social Psychology*, 61(1): 115-121.
- Nolen-Hoeksema, S., Parker, L. E., & Larson, J. (1994). Ruminative coping with depressed mood following loss. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67(1): 92-104.

- Panuzio, J., & Dilillo, D. (2010). Physical, psychological, & sexual intimate partner aggression among Newlywed couples: Longitudinal prediction of marital satisfaction. *Journal of Family Violence*, 25(7): 689-699.
- Pournaghash-Tehrani, S. (2010). The role of beliefs, attitudes and adverse childhood experiences in predicting men's reactions towards their spouses' violence. *Journal of Family Violence*, 26(2): 93-99.
- Rasoulilian, M., Habib, S., Bolhari, J., Hakim Shoostari, M., Nojomi, M., & Abedi, S. (2014). Risk factors of domestic violence in Iran. *Journal of Environmental and Public Health*, 2014: 1-9.
- Ross, J. M. (2011). Personality and situational correlates of self-reported reasons for intimate partner violence among women versus men referred for batterers' intervention. *Behavioral Sciences & the Law*, 29(5): 711-727.
- Selby, E. A., & Joiner, T. E. (2009). Cascades of emotion: The emergence of borderline personality disorder from emotional & behavioral dysregulation. *Review of General Psychology*, 13(3): 219.
- Selby, E. A., Anestis, M. D., & Joiner, T. E. (2008). Understanding the relationship between emotional & behavioral dysregulation: Emotional cascades. *Behaviour Research & Therapy*, 46(5): 593-611.
- Siever, L. J., Torgerson, S., Gunderson, J. G., Livesley, W. J., & Kendler, K. S. (2002). The borderline diagnosis III: Identifying endophenotypes for genetic studies. *Biological Psychiatry*, 51(12): 964-968.
- Skodol, A. E., Gunderson, J. G., Pfohl, B., Widiger, T. A., Livesley, W. J., & Siever, L. J. (2002a). The borderline diagnosis I: Psychopathology, comorbidity, and personality structure. *Biological Psychiatry*, 51(12): 936-950.
- Skodol, A. E., Siever, L. J., Livesley, W. J., Gunderson, J. G., Pfohl, B., & Widiger, T. A. (2002b). The borderline diagnosis II: biology, genetics, and clinical course. *Biological Psychiatry*, 51(12): 951-963.
- Stewart, D. E., MacMillan, H., & Wathen, N. (2012). Intimate partner violence. *The Canadian Journal of Psychiatry*, 58(6): 1-15.
- Straus, M. A., Hamby, S. L., Boney-McCoy, S., & Sugarman, D. B. (1996). The revised conflict tactics scales: Development & preliminary psychometric data. *Journal of Family Issues*, 17(3): 283-316.
- Stuart, G. L., Moore, T. M., Gordon, K. C., Ramsey, S. E., & Kahler, C. W. (2006). Psychopathology in women arrested for domestic violence. *Journal of Interpersonal Violence*, 21(3): 376-389.
- Sulak, T. N., Saxon, T. F., & Fearon, D. (2014). Applying the theory of reasoned action to domestic violence. Reporting behavior: The role of sex & victimization. *Journal of Family Violence*, 29(2): 165-173.
- Trivillion, K., Oram, S., Feder, G., & Howard, M. H. (2012). Experiences of domestic violence & mental disorders: A systematic review & meta-analysis. *PLoS One*, 7.
- Walsh, Z., Swogger, M. T., O'Connor, B. P., Schonbrun, Y.C., Shea, T. M., & Stuart, G. L. (2010). Subtypes of partner violence perpetrators among male &

female' psychiatric patients. *Journal of Abnormal Psychology*, 119(3): 563-574.

Wegner, D. M., & Zanakos, S. (1994). Chronic thought suppression. *Journal of Personality*, 62(4): 615-640.

Weinstein, y., Gleason, M. J., & Oltmanns, T. F. (2012). Borderline but not antisocial personality disorder symptoms are related to self-reported partner aggression in late middle-age. *Journal of Abnormal Psychology*, 121(3): 692-698.

Zanarini, M. C., Frankenburg, F. R., Reich, D. B., Marino, M. F., Haynes, M. C., & Gunderson, J. G. (1991). Violence in the lives of adult borderline patients. *Journal of Nervous & Mental Disease*, 187(2): 65-71.

\*\*\*

### مقیاس نشخوار فکر

همیشه	بسیار	گاهی	کم	عبارات
۴	۳	۲	۱	۱ فکر می‌کنم چقدر احساس تنهایی می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۲ فکر می‌کنم اگر در همین حالت باقی بمانم، نمی‌توانم وظایفم را انجام دهم.
۴	۳	۲	۱	۳ فکر می‌کنم چقدر احساس خستگی و دردمندی می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۴ فکر می‌کنم چقدر تمرکز کردن دشوار است.
۴	۳	۲	۱	۵ فکر می‌کنم من چکار کرده‌ام که به این حالت دچار شده‌ام.
۴	۳	۲	۱	۶ فکر می‌کنم چقدر بی‌حوصله و بی‌انگیزه‌ام.
۴	۳	۲	۱	۷ با بررسی وقایع اخیر سعی می‌کنم بفهمم چرا افسرده شده‌ام.
۴	۳	۲	۱	۸ فکر می‌کنم چرا نسبت به همه چیز بی‌تفاوت شده‌ام.
۴	۳	۲	۱	۹ فکر می‌کنم چرا دیگر نمی‌توانم ادامه بدهم.
۴	۳	۲	۱	۱۰ فکر می‌کنم چرا اغلب اینگونه به مسائل واکنش نشان می‌دهم.
۴	۳	۲	۱	۱۱ با خود خلوت می‌کنم تا برای این احساسات خود جوابی پیدا کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۲ افکارم را یادداشت و آن‌ها را بررسی می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۳ به اوضاع اخیر فکر می‌کنم و آرزو می‌کنم که ای کاش اوضاع بهتر از این بود.
۴	۳	۲	۱	۱۴ فکر می‌کنم اگر نتوانم جلوی احساساتم را بگیرم نمی‌توانم تمرکز داشته باشم.
۴	۳	۲	۱	۱۵ به این فکر می‌کنم که چرا مشکلاتی دارم که دیگران ندارند.
۴	۳	۲	۱	۱۶ فکر می‌کنم چرا نمی‌توانم بهتر از اداره‌ی امور برایم.
۴	۳	۲	۱	۱۷ فکر می‌کنم که چقدر غمگین هستم.
۴	۳	۲	۱	۱۸ به همه نقاط ضعف، شکست‌ها، کاستی‌ها و اشتباهات خود فکر می‌کنم.
۴	۳	۲	۱	۱۹ فکر می‌کنم چرا آنقدر سرحال نیستم که بتوانم کاری انجام دهم.
۴	۳	۲	۱	۲۰ سعی می‌کنم شخصیت خود را بررسی کنم تا بفهمم چرا افسرده‌ام.
۴	۳	۲	۱	۲۱ تنهایی به جایی می‌روم که بتوانم درباره احساساتم فکر کنم.
۴	۳	۲	۱	۲۲ فکر می‌کنم چرا اینقدر از دست خودم عصبانی هستم.

\*\*\*



مقیاس تجدیدنظرشده تاکتیک‌های تعارضی

لطفاً با کشیدن دایره دور عدد مورد نظر، مشخص کنید که شما و همسران در طول یک سال گذشته تا چه حد، هر یک از این رفتارها را انجام داده‌اید. هر چند وقت یک بار این اتفاق افتاد؟  
 ۱ = یک بار در سال گذشته، ۲ = دو بار در سال گذشته، ۳ = سه تا پنج بار در سال گذشته، ۴ = شش تا ده بار در سال گذشته، ۵ = یازده تا بیست بار در سال گذشته، ۶ = بیش از بیست بار در سال گذشته، ۰ = هرگز اتفاق نیفتاده است.

در زمان مشاجره بین من و همسرم...

۱	با وجود این که با هم اختلاف داشتیم، من به همسرم نشان دادم که به او علاقه دارم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲	با وجود این که با هم اختلاف داشتیم، همسرم به من نشان داد که به من علاقه دارد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳	من جنبه‌های اختلافم با همسرم را برای او توضیح می‌دادم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۴	همسرم جنبه‌های اختلافش با مرا برای من توضیح می‌داد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵	من به همسرم ناسزا می‌گفتم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۶	همسرم به من ناسزا می‌گفت.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	من شیء را به سمت همسرم پرتاب کردم که می‌توانست به او صدمه بزند.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	همسرم شیء را به سمت من پرتاب کرد که می‌توانست به من صدمه بزند.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	من دست همسرم را پیچاندم و موهای او را کشیدم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۰	همسرم دست مرا پیچاند و موهای مرا کشید.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۱	من به خاطر درگیری با همسرم، دچار رگ‌به‌رگ‌شدگی، کبودی، یا شکستگی کوچکی شدم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۲	همسرم به خاطر درگیری با من، دچار رگ‌به‌رگ‌شدگی، کبودی، یا شکستگی کوچکی شد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳	من به احساسات همسرم درباره هر موضوعی احترام می‌گذاشتم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۴	همسرم به احساسات من درباره هر موضوعی احترام می‌گذاشت.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۵	من همسرم را مجبور به رابطه جنسی بدون کاندوم می‌کردم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۶	همسرم مرا مجبور به رابطه جنسی بدون کاندوم می‌کرد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۷	من همسرم را هل می‌دادم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۸	همسرم مرا هل می‌داد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۹	من همسرم را مجبور به رابطه جنسی دهانی یا مقعدی (با کتک زدن یا اجبار) می‌کردم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۰	همسرم مرا مجبور به رابطه جنسی دهانی یا مقعدی (با کتک زدن یا اجبار) می‌کرد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۱	من در برابر همسرم از چاقو استفاده می‌کردم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۲	همسرم در برابر من از چاقو استفاده می‌کرد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۳	من در حین درگیری به خاطر ضربه‌ای که همسرم به سرم زد، ناگهان بی‌هوش شدم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۴	همسرم در حین درگیری با من به خاطر ضربه به سر، ناگهان بی‌هوش شد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۵	من همسرم را چاق و زشت صدا می‌زدم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۶	همسرم مرا چاق و زشت صدا می‌زد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۷	من همسرم را با شیء زدم که می‌توانست به او صدمه بزند.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۸	همسرم مرا با شیء زد که می‌توانست به من صدمه بزند.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۹	من وسیله‌ای که متعلق به همسرم بود را از بین می‌بردم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳۰	همسرم وسیله‌ای که متعلق به من بود را از بین می‌برد.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳۱	من به خاطر درگیری با همسرم به دکتر می‌رفتم.	۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۲	همسرم به خاطر درگیری با من به دکتر می‌رفت.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۳	من گلوی همسرم را فشار می‌دادم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۴	همسرم گلوی مرا فشار می‌داد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۵	من بر سر همسرم فریاد می‌زدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۶	همسرم بر سر من فریاد می‌زد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۷	من همسرم را محکم به دیوار می‌کوبیدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۸	همسرم مرا محکم به دیوار می‌کوبید.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۳۹	من می‌گفتم که مطمئن می‌توانیم مشکل را حل کنیم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۰	همسرم می‌گفت که مطمئن است ما می‌توانیم مشکل را حل کنیم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۱	من به خاطر درگیری با همسرم خواستم به پزشک مراجعه کنم، اما این کار را نکردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۲	همسرم به خاطر درگیری با من خواست به پزشک مراجعه کند، اما این کار را نکرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۳	من همسرم را با مشت می‌زدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۴	همسرم مرا با مشت می‌زد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۵	من همسرم را چنگ می‌زدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۶	همسرم مرا چنگ می‌زد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۷	من همسرم را به رابطه جنسی (با کتک زدن یا اجبار) وادار می‌کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۸	همسرم مرا به رابطه جنسی (با کتک زدن یا اجبار) وادار می‌کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۴۹	من در اتاق یا خانه یا حیاط به نشانه مخالفت با همسرم پایم را بر زمین می‌کوبیدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۰	همسرم در اتاق یا خانه یا حیاط به نشانه مخالفت با من پایش را بر زمین می‌کوبید.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۱	من زمانی که همسرم نمی‌خواست، به رابطه جنسی اصرار کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۲	همسرم وقتی که من نمی‌خواستم، به رابطه جنسی اصرار کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۳	من به همسرم سیلی زدم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۴	همسرم به من سیلی زد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۵	من به خاطر درگیری با همسرم شکستگی استخوان داشتم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۶	همسرم به خاطر درگیری با من شکستگی استخوان داشت.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۷	من همسرم را برای داشتن رابطه جنسی دهانی یا مقعدی تهدید کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۸	همسرم مرا برای داشتن رابطه جنسی دهانی یا مقعدی تهدید کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۵۹	من حل اختلاف را پیشنهاد می‌کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۰	همسرم حل اختلاف را پیشنهاد می‌کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۱	من عمداً همسرم را با آب جوش می‌سوزاندم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۲	همسرم عمداً مرا با آب جوش می‌سوزاند.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۳	من به همسرم برای داشتن رابطه جنسی دهانی یا مقعدی اصرار می‌کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۴	همسرم به من برای داشتن رابطه جنسی دهانی یا مقعدی اصرار می‌کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۵	من همسرم را به داشتن رابطه عشقی متهم می‌کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۶	همسرم مرا به داشتن رابطه عشقی متهم می‌کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۷	من کاری می‌کردم که لچ همسرم را درآورم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۸	همسرم کاری می‌کرد که لچ مرا درآورد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۶۹	من همسرم را تهدید می‌کردم که او را می‌زنم یا چیزی را به طرفش پرتاب می‌کنم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷۰	همسرم مرا تهدید می‌کرد که مرا می‌زند یا چیزی را به طرفم پرتاب می‌کند.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷۱	من تا روز بعد از درگیریمان احساس درد جسمی می‌کردم.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷۲	همسرم تا روز بعد از درگیریمان احساس درد جسمی می‌کرد.
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷۳	من با پا همسرم را می‌زدم.

۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	همسرم با پا می‌زد.	۷۴
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	من همسرم را برای داشتن رابطه جنسی تهدید می‌کردم.	۷۵
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	همسرم مرا برای داشتن رابطه جنسی تهدید می‌کرد.	۷۶
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	من با راه حلی که همسرم برای حل اختلاف پیشنهاد می‌کرد، موافقت می‌کردم.	۷۷
۰	۱	۲	۳	۴	۵	۶	همسرم با راه حلی که من برای حل اختلاف پیشنهاد می‌کردم، موافقت می‌کرد.	۷۸

\*\*\*

سیاهه نشانه‌های مرزی

ردیف	عبارات	افراد	جنسیت	زاد	زاد
۱	استرس زیادی را تحمل می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۲	از بی‌خوابی رنج می‌بردم.	۰	۱	۲	۴
۳	احساس می‌کردم مورد توجه دیگران نیستم.	۰	۱	۲	۴
۴	از اضطراب شدید رنج می‌بردم.	۰	۱	۲	۴
۵	تمرکز برایم دشوار بود.	۰	۱	۲	۴
۶	نمی‌دانستم با خودم چه کار کنم.	۰	۱	۲	۴
۷	احساس درماندگی می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۸	هر چیزی را در درونم به‌سختی احساس می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۹	از درون به هم ریخته بودم.	۰	۱	۲	۴
۱۰	از اشتباه کردن می‌ترسیدم.	۰	۱	۲	۴
۱۱	فکر می‌کردم هیچ‌کس قادر به کمک کردن به من نیست.	۰	۱	۲	۴
۱۲	گیج بودم و نمی‌توانستم آنچه که در واقع انجام داده‌ام را به‌خاطر بیاورم.	۰	۱	۲	۴
۱۳	کسانی را که دوست داشتم از خود راندم.	۰	۱	۲	۴
۱۴	به خودم به‌مانند یک شی و نه یک انسان می‌نگریستم.	۰	۱	۲	۴
۱۵	احساس افسردگی می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۱۶	احساس سنگینی می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۱۷	به‌سختی قادر به صحبت کردن بودم.	۰	۱	۲	۴
۱۸	آرزوی مرگ داشتم.	۰	۱	۲	۴
۱۹	به دیگران حسادت می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۲۰	احساس انزجار می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۲۱	با اعتمادبه‌نفس بودم.	۰	۱	۲	۴
۲۲	به صدمه زدن به خودم فکر می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۲۳	درک احساساتم برایم دشوار بود.	۰	۱	۲	۴
۲۴	کسی نبود که برایش واقعاً مهم باشم.	۰	۱	۲	۴
۲۵	خود را در محلی یافتم که نمی‌دانستم چطور از آنجا سر در آورده‌ام.	۰	۱	۲	۴
۲۶	از درون آرام بودم.	۰	۱	۲	۴
۲۷	به دیگران اعتماد نداشتم.	۰	۱	۲	۴
۲۸	باور نمی‌کردم که حق زندگی کردن داشته باشم.	۰	۱	۲	۴
۲۹	تنها بودم.	۰	۱	۲	۴
۳۰	فشار درونی زیادی را تجربه می‌کردم.	۰	۱	۲	۴
۳۱	می‌ترسیدم افرادی که با آن‌ها صمیمی و نزدیکم رهایم کنند.	۰	۱	۲	۴
۳۲	تصاویر ترسناکی را می‌دیدم.	۰	۱	۲	۴
۳۳	احساس می‌کردم زنده نیستم.	۰	۱	۲	۴
۳۴	نمی‌توانستم نزدیکی افراد دیگر را تحمل کنم.	۰	۱	۲	۴

۴	۳	۲	۱	۰	از خودم متنفر بودم.	۳۵
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم بخش‌هایی از بدنم متلاشی شده است.	۳۶
۴	۳	۲	۱	۰	تصمیم‌گیری‌های روزمره برایم دشوار بود.	۳۷
۴	۳	۲	۱	۰	می‌خواستم خودم را مجازات کنم.	۳۸
۴	۳	۲	۱	۰	سرشاز از انرژی بودم.	۳۹
۴	۳	۲	۱	۰	عصبانی بودم.	۴۰
۴	۳	۲	۱	۰	به‌سختی می‌توانستم خاطراتم را کنترل کنم.	۴۱
۴	۳	۲	۱	۰	تنهایی برایم دشوار بود.	۴۲
۴	۳	۲	۱	۰	نمی‌توانستم بخش‌هایی از بدنم را احساس کنم.	۴۳
۴	۳	۲	۱	۰	احساس تهدید می‌کردم.	۴۴
۴	۳	۲	۱	۰	همه روابطم را به‌طور ناگهانی قطع کردم.	۴۵
۴	۳	۲	۱	۰	نمی‌دانستم واقعاً چه کسی هستم.	۴۶
۴	۳	۲	۱	۰	احساس شرم می‌کردم.	۴۷
۴	۳	۲	۱	۰	احساس جدا بودن از دیگران می‌کردم.	۴۸
۴	۳	۲	۱	۰	خلق‌ام به‌سرعت در حال تغییر به اضطراب، خشم و افسردگی بود.	۴۹
۴	۳	۲	۱	۰	احساس ناامنی می‌کردم.	۵۰
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم تنها رها شده‌ام.	۵۱
۴	۳	۲	۱	۰	حضور کسی را احساس می‌کردم که واقعاً وجود نداشت.	۵۲
۴	۳	۲	۱	۰	پرخاشگر بودم.	۵۳
۴	۳	۲	۱	۰	احساس جداشدگی از خود را داشتم.	۵۴
۴	۳	۲	۱	۰	خوشحال بودم.	۵۵
۴	۳	۲	۱	۰	دچار آشفتگی هیجانی بودم.	۵۶
۴	۳	۲	۱	۰	تصاویری که می‌دیدم آزارم می‌دادند.	۵۷
۴	۳	۲	۱	۰	از درون احساس پوچی می‌کردم.	۵۸
۴	۳	۲	۱	۰	قادر به لمس بخش‌هایی از بدنم نبودم.	۵۹
۴	۳	۲	۱	۰	برانگیخته بودم.	۶۰
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم میخکوب شده‌ام.	۶۱
۴	۳	۲	۱	۰	از افکار خودکشی رنج می‌بردم.	۶۲
۴	۳	۲	۱	۰	متعادل بودم.	۶۳
۴	۳	۲	۱	۰	مشکلاتی با دیگران داشتم.	۶۴
۴	۳	۲	۱	۰	هیچ‌کس متوجه احساسات واقعی من نبود.	۶۵
۴	۳	۲	۱	۰	از سر و صداهای بیرون از سرم رنج می‌بردم.	۶۶
۴	۳	۲	۱	۰	از صداهای داخل سرم رنج می‌بردم.	۶۷
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم آزاد و بی‌دغدغه‌ام.	۶۸
۴	۳	۲	۱	۰	انتقادات تأثیر مخربی بر من داشت.	۶۹
۴	۳	۲	۱	۰	نیاز به کسی داشتم که همراهم باشد.	۷۰
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم کنترل‌ام را از دست داده‌ام.	۷۱
۴	۳	۲	۱	۰	احساس قدرت می‌کردم.	۷۲
۴	۳	۲	۱	۰	احساس آسیب‌پذیری می‌کردم.	۷۳
۴	۳	۲	۱	۰	تفکر مرگ جاذبه خاصی برای من داشت.	۷۴
۴	۳	۲	۱	۰	احساس کمبود می‌کردم.	۷۵
۴	۳	۲	۱	۰	احساس عدم کفایت می‌کردم.	۷۶
۴	۳	۲	۱	۰	بسیار ناامید بودم.	۷۷
۴	۳	۲	۱	۰	از کابوس رنج می‌بردم.	۷۸
۴	۳	۲	۱	۰	می‌ترسیدم دیگران از درون من آگاه شوند.	۷۹

۴	۳	۲	۱	۰	احساس آرامش می‌کردم.	۸۰
۴	۳	۲	۱	۰	تصور می‌کردم افراد مختلفی در درونم هستند.	۸۱
۴	۳	۲	۱	۰	بدنم را کاملاً در وضعیت کنونی خود غیر قابل قبول می‌دانستم.	۸۲
۴	۳	۲	۱	۰	از احساس گناه رنج می‌بردم.	۸۳
۴	۳	۲	۱	۰	باور داشتم که هیچ کس در کم نمی‌کند.	۸۴
۴	۳	۲	۱	۰	همه چیز به نظرم بی‌معنی می‌رسید.	۸۵
۴	۳	۲	۱	۰	احساس می‌کردم که باید تسلیم افکار بد خود شوم.	۸۶
۴	۳	۲	۱	۰	می‌ترسیدم کنترلم را از دست بدهم.	۸۷
۴	۳	۲	۱	۰	نسبت به خودم احساس نفرت می‌کردم.	۸۸
۴	۳	۲	۱	۰	قادر به کمک گرفتن از دیگران نبودم.	۸۹
۴	۳	۲	۱	۰	تصور می‌کردم انگار که از خودم دور هستم.	۹۰
۴	۳	۲	۱	۰	غرق در احساساتم بودم.	۹۱
۴	۳	۲	۱	۰	احساس کرحتی می‌کردم.	۹۲
۴	۳	۲	۱	۰	احساس ناامیدی می‌کردم.	۹۳
۴	۳	۲	۱	۰	احساس بی‌ارزشی می‌کردم.	۹۴
۴	۳	۲	۱	۰	خرسند بودم.	۹۵

\*\*\*

#### مقیاس سرکوب خرس سفید

کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	عبارات	ردیف
۵	۴	۳	۲	۱	چیزهایی وجود دارد که ترجیح می‌دهم در موردشان فکر نکنم.	۱
۵	۴	۳	۲	۱	گاهی اوقات از اینکه مطابق افکارم عمل کرده‌ام، تعجب می‌کنم.	۲
۵	۴	۳	۲	۱	قادر به متوقف کردن افکارم نیستم.	۳
۵	۴	۳	۲	۱	نمی‌توانم تصاویر مزاحم را از ذهنم پاک کنم.	۴
۵	۴	۳	۲	۱	اغلب افکارم به یک موضوع مربوط می‌شوند.	۵
۵	۴	۳	۲	۱	ای کاش می‌توانستم افکارم در مورد چیزهای خاص را متوقف کنم.	۶
۵	۴	۳	۲	۱	گاهی اوقات ذهنم آنقدر سریع کار می‌کند که قادر به متوقف کردن آن نیستم.	۷
۵	۴	۳	۲	۱	همیشه سعی می‌کنم مشکلات را از ذهنم خارج کنم.	۸
۵	۴	۳	۲	۱	دچار پرش افکار هستم.	۹
۵	۴	۳	۲	۱	چیزهایی وجود دارد که سعی می‌کنم به آن‌ها فکر نکنم.	۱۰
۵	۴	۳	۲	۱	گاهی اوقات واقعاً آرزو می‌کنم که ای کاش می‌توانستم تفکرم را متوقف کنم.	۱۱
۵	۴	۳	۲	۱	اغلب برای منحرف کردن افکارم به انجام بعضی کارها می‌پردازم.	۱۲
۵	۴	۳	۲	۱	افکاری دارم که سعی می‌کنم از آن‌ها اجتناب کنم.	۱۳
۵	۴	۳	۲	۱	افکار بسیاری در ذهنم وجود دارد که در مورد آن‌ها تاکنون به کسی چیزی نگفته‌ام.	۱۴
۵	۴	۳	۲	۱	گاهی اوقات خودم را مشغول نگه می‌دارم تا از مزاحمت افکارم ممانعت کنم.	۱۵

\*\*\*